

# ارزیابی سه برنامه آموزشی کودک سیما بر پایه حیطه های برنامه - سازی از دیدگاه والدین و کارشناسان کودک

عسل سادات معینی<sup>۱</sup>

فاطمه پرسته قنبوانی<sup>۲</sup>

فهیمه السادات حقیقی<sup>۳</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی برنامه‌های گل آموز، دختر من و کار و کوشا از دیدگاه کارشناسان کودک و اولیاء کودکان و در حیطه های برنامه سازی (اجرا، اثربخشی و هماهنگی) انجام گرفت. این تحقیق از نظر هدف کاربردی بوده و از روش توصیفی - پیمایشی بهره گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل دو بخش برنامه های کودک تلویزیون (شبکه دو و آموزش)، و کارشناسان برنامه های کودک (شامل ۳۰ نفر) و والدین کودکان ۱۰-۶ سال مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی شهر تهران می باشد که کلیه کارشناسان برنامه های کودک به صورت تمام شماری و تعداد ۴۰۵ نفر از والدین (بر اساس فرمول کوکران و به صورت تصادفی طبقه ای با توجه به دسته بندی مدارس در

۱. کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج - ایران

۲. استادیار گروه برنامه ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج - ایران (نویسنده مسئول)

۳. مدرس گروه برنامه ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج - ایران

مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب گردیدند. جهت جمع آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته به همراه سی دی برنامه های برنامه های مورد نظر برای افراد نمونه ارسال و داده های تحقیق جمع آوری گردید. آنالیز واریانس چند متغیره نشان می‌دهد که بین نظرات کارشناسان و اولیاء در سه برنامه گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا در شاخص‌های اجراء، اثربخشی و هماهنگی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنی که در حیطة ی اجراء برنامه کار و کوشا نسبت به دو برنامه دیگر در سطح بالاتری قرار گرفته است. در حیطة اثربخشی برنامه دختر من نسبت به دو برنامه دیگر تفاوت معنادار وجود دارد و سطح اثربخشی این برنامه در حیطة مهارت درصد بالایی را به خود اختصاص داده است. در خصوص حیطة ی نگرش در برنامه دختر من نسبت به دو برنامه دیگر تفاوت معناداری وجود دارد و پس از آن برنامه کار و کوشا قرار گرفته است. واژگان کلیدی: ارزیابی، برنامه های تلویزیونی، کودکان، دختر من، کار و کوشا، گل آموز، حیطة های برنامه سازی.

## مقدمه

رسانه ها از جمله سازمان صدا و سیما برای رسیدن به اهداف مشخصی در مأموریت شان، سیاست هایی را طراحی می کنند تا در مجموعه فرهنگی جامعه اثر گذار باشند. این رسانه از آنچنان اهمیتی برخوردار است که مقام معظم رهبری نیز در دیدار با پزشکان و پرستاران (۶۸/۰۹/۱۵) فرموده اند: مسئولیت صدا و سیما بسیار حائز اهمیت است، رادیو و تلویزیون فقط یک دستگاه سرگرم کننده نیست بلکه یک دستگاه آموزنده است. یکی از حوزه های مهم سیاست گذاری رسانه حوزه کودکان و نوجوانان و برنامه های مربوط به آنها است. شواهد زیادی نشان می دهد که رسانه های گروهی مانند تلویزیون و برنامه های آن می توانند بر دانش و اعتقادات گروههای سنی مختلف از جمله کودکان تاثیر بگذارند (درودی و رضانی، ۱۳۹۴؛ آمادیو ۱ و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از حسینی انجدانی و همکاران، ۱۳۸۸). از آنجایی که مخاطبان کودک و نوجوان نسبت به مخاطبان بزرگسال حساس تر و از سطح شناختی پایین تری برخوردارند و همچنین از سواد رسانه ای بالایی بهره مند نیستند، بنابراین لازم است در تولید برنامه برای این گروه خاص دقت لازم را به کار گرفت (غندالی،

۱۳۸۵)، به طوری که لازم است برای ارتقاء سطح کیفی کارها، اتاق فکر برای ساخت برنامه های کودک تشکیل شود (خودسیانی، ۱۳۹۴).

سیاست گذاران و برنامه ریزان سازمان صدا و سیما درحوزه کودک و نوجوان باید به گونه ای برنامه ریزی کنند و خط مشی هایی را ارائه دهند که به کمک مؤلفه هایی همچون آموزش و سرگرمی، مهارت ها و توانایی های کودکان و نوجوانان را تقویت سواد رسانه ای را ارتقاء بخشند و از خشنونت و رفتارهای خشن پرهیز کنند، آموزش های لازم را برای ورود به عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در نظر گرفته و ساعات دلپذیری را برای آنها فراهم کنند (غندالی، ۱۳۸۵).

از نظر کالینگفورد<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) تلویزیون، کودکان را با دو انگیزه سرگرمی و یادگیری جذب می کند. کودکان به عنوان مخاطبان خاص با درکی ناقص از دنیای مادی و اجتماعی، با توانایی هایی کمابیش محدود و با اشتیاق یادگیری به سمت این وسیله ارتباطی کشیده می شوند و تلویزیون دنیای دلپذیری را در اختیار درک و آموختن آنان قرار می دهد. علاوه بر آن صاحب نظران علوم تربیتی و روان شناسی معتقدند بنای عظیم شخصیت بزرگسالی هر انسانی، بر کودکی او استوار است (دور، ۱۳۷۴). تماشای تلویزیون یکی از فعالیت های عمده زندگی او محسوب می شود. از آنجا که فضای فراغت کودکان به طور وسیع در معرض رسانه های جمعی علی الخصوص تلویزیون قرار دارند، بنابراین در معرض آسیب های ناشی از برنامه هایی قرار می گیرد که مطابق با رشد ذهنی آنان نباشد. کودکان هنوز ساز و کارهای دفاعی ذهنشان تکوین نیافته و بسیار آسیب پذیر می باشند (ساروخانی، ۱۳۸۷). به همین دلیل است که از نظر بری گونتر و جیل مک آلر<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) والدین باید نسبت به نوع برنامه هایی که کودکان شان تماشا می کنند حساس بوده و با دست اندرکاران تلویزیون اشتراک مسوولیت داشته باشند. زیرا خانواده اولین تاثیرات محیطی را بر روی کودک می گذارد (میرشاهی، ۱۳۹۳) و توجه والدین به کودک و غنی کردن محیط رشد در آینده کودک تاثیرات به سزایی می گذارد.

شاید هدف سازندگان تعدادی از برنامه های تلویزیونی و ویدئویی یا بازی های رایانه ای، صرفاً سرگرم کردن کودکان و نوجوانان در اوقات فراغت آنان باشد. اما مسئله مهم و حائز اهمیت این است زمان زیادی از وقت کودک صرف آموختن می شود. برنامه های تلویزیون نه تنها اوقات فراغت کودکان و نوجوانان را پر کرده و آنها را سرگرم می سازد، بلکه می تواند یک وسیله کاملاً مؤثر برای

1 Culling ford, Cedric

2 Barrie Gunter & Jill Mcalcer

شکل دهی افکار، رفتارهای فردی و اجتماعی و عواطف آنها باشد. بنابراین باید توجه داشت که لزوماً تمامی آنچه در برنامه های تلویزیون در معرض دید کودکان و نوجوانان قرار می گیرد، مناسب و مطلوب نیست و می تواند اثرات ناخوشایندی در ذهن و رفتار آنان باقی بگذارد (حسینی، ۱۳۸۶). به عبارتی کودکان در معرض تاثیرات منفی بیشتری از سوی رسانه ها هستند و رسانه ها می تواند تهدید جدی برای کودکان و نوجوانان باشند (عظیمی و شکرخواه، ۱۳۹۴). در واقع کودکان همانند بزرگسالان قادر نیستند با مشاهده تلویزیون، واقعیت را از غیر آن تمیز داده و تفکیک نمایند (دور، ۱۳۷۴).

از نظر سرژن جنرال ۱ (۱۹۷۲) و همچنین بررسی های نهاد ملی سلامت روانی (۱۹۸۲)، تلویزیون نقش مهمی در زندگی کودکان و نوجوانان و قابلیت بسیاری برای تأثیر بر رفتار خشنونت بار آنها دارد، به این معنی که در معرض خشنونت برنامه های تلویزیون قرار گرفتن، عاملی است که به طور غیر رسمی و ناخواسته، گرایش های خشنونت بار جوانان را تقویت می کند و می تواند در میان کودکان و نوجوانان که از قبل شخصیت پرخاشگر و خشنی از خود بروز داده اند، اهمیت خاصی پیدا کند. همواره ثابت شده است که در طول زمان، تماشای خشنونت از طریق تلویزیون با رفتار خشنونت بار در میان گروه های جمعیتی ارتباط دو جانبه دارد. این ارتباط دو جانبه که در انواع مختلف برنامه های تلویزیون رخ می نماید، بررسی جامع هزاران مطالعه تجربی و طولانی مدت این وضعیت را تأیید می کند که تماشای خشنونت از طریق تلویزیون با رفتار خشنونت بار مرتبط است (مالون، ترجمه آهاری اسکویی، ۱۳۹۲، ص ۶۲).

بنابراین، نظریه ای که طی سال های اخیر در ایالات متحده استخراج شده، این است که تلویزیون واسطه ای بی قید در ارتباط با پرورش خشنونت در میان کودکان است، و اینکه احساس می شود تأثیر آن قبل از آنکه کودک مدرسه را آغاز کند، شروع می شود و تا دوران نوجوانی ادامه می یابد، و به این ترتیب، آسیبی که به واسطه در معرض تماشای تلویزیون قرار گرفتن، به مدت زیاد وارد می شود، در دوران کودکی به وقوع می پیوندد. بنابراین، صدمات حاصل از پخش خشنونت از طریق تلویزیون ثابت شده است. بر همین اساس کیفیت محتوایی برنامه ها مد نظر قرار می گیرد که عوامل تأثیر گذار در کیفیت به لحاظ ضرورت عبارتند از: ۱- ارزیابی قبل از تولید یا ارزیابی طرح و برنامه ۲- ارزیابی حین تولید (قبل از پخش) ۳- ارزیابی محصول نهایی (پخش برنامه) (حوزه ریاست صدا و سیما، ۱۳۷۷). از دیدگاهی دیگر، محصول تولید شده (برنامه قابل پخش)، خود بهترین شاخص

ارزیابی مراحل تهیه و تأمین برنامه بوده است. از این منظر گرچه نگاه دقیق به مراحل طرح و برنامه مهم است ولی اهمیت اصلی به ارزیابی محصول تعلق می‌گیرد.

از این حیث با شناخت کافی از اهداف و آرمانهای جامعه (در بحث کودک) ارزشها، رضایتمندی و انتظارات کودکان، شاخص‌های عمده‌ای که به عنوان مقیاس اندازه‌گیری هر برنامه‌ای منظور شده، ارزیابی برنامه‌ها از طریق تحلیل محتوی انجام می‌گیرد. زیرا در صورت تحقق شاخص‌ها این روش می‌تواند پوشش موضوعی شخصیت‌سازی، الگوپردازی، حضور یا فقدان عناصر و مؤلفه‌های خاص وجود یا عدم ارزش‌ها، نگرش‌ها، نقش‌ها و گرایش‌ها، اهداف تهیه و تولید و ... را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد (یارعلی، ۱۳۷۴).

بدون تردید ایفای نقش مطلوب تلویزیون در زندگی کودکان و نوجوانان در گرو تعامل مناسب آنان با این رسانه است که این امر خود مستلزم شناسایی و فهم نیازها و تمایلات کودکان و نوجوانان است. در این خصوص می‌توان به شیوه‌های متعددی توسل جست که تحقیق و پرس و جو از کارشناسانی که در زمینه‌های مربوط به کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنند از جمله آنهاست. کارشناسان به منزله افراد صاحب تجربه، در زمینه کم و کیف ویژگی‌ها و خواسته‌های کودکان، مراجع مهمی به شمار می‌روند که دیدگاه‌ها و نظریاتشان برای ارتباط هر چه مطلوب‌تر با کودکان و نوجوانان مفید و راهگشاست (خضریان، ۱۳۸۵). از نظر شرام ۱ و همکاران (۱۳۷۷) پژوهشگرانی از بعد تخصص و حرفه خود به این تأثیرات توجه نموده‌اند و از همین رو بحث نظارت و کنترل بر کیفیت آموزشی برنامه‌های تلویزیون از سوی کارشناسان کودک و اولیاء از اهمیت روزافزونی برخوردار می‌باشد.

علاوه بر اهمیت نظر کارشناسان و متخصصین برنامه‌های آموزشی، نظر اولیاء در انتخاب برنامه‌های مناسب کودکان در نگرش آن‌ها نسبت به برنامه‌هایی که تماشا می‌کنند اثر مثبتی دارد. پدران و مادران با ارزیابی فیلم‌ها و نقد و بررسی آنها برای کودکان زمینه‌های غیر واقعی بودن فیلم‌ها را مشخص می‌کنند. تشخیص غیر واقعی بودن فیلم از سوی کودکان موجبات کاهش پرخاشگری و تقلید رفتارهای خشونت‌آمیز در آن‌ها می‌شود. نقش و جایگاه مهم اولیاء در ممانعت از بروز ناهنجاری‌های رفتاری ناشی از الگوسازی‌های نامناسب برنامه‌های تلویزیونی حائز اهمیت است همانگونه که از نظر عظیمی و شکرخواه (۱۳۹۴) نیز ارتقاء سواد رسانه‌ای والدین می‌تواند در کاهش آثار منفی برنامه‌های کودک موثر باشد.

قدر مسلم پیامدها و نتایج تماشای برنامه های تلویزیون بر روی همه کودکان و نوجوانان یکسان نیست و نوع، نحوه و میزان این تأثیر به عوامل و عناصر متعدد و متفاوتی بستگی دارد. نقش سیاست گذاران، تولید کنندگان، برنامه ریزان متخصصین و اعضای خانواده و بخصوص والدین و دیدگاه آنان در مورد محتوای رسانه و ... همه و همه درک و تجربه کودکان و نوجوانان را از این رسانه (تلویزیون) تحت تأثیر قرار داده و واکنش های آنان را متأثر خواهد ساخت (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸).

بر همین اساس و با توجه به اهمیت و نقش برنامه های کودک، در این تحقیق برنامه های پخش شده آموزشی کودک از سن ۶ الی ۱۰ سال در شبکه آموزش (با توجه به اهداف شبکه آموزش به معنای برنامه ریزی آموزشی و طراحی آموزشی برای ایجاد توانمندی در مخاطبان) مورد نظر است و نیازمند شناخت دقیق اهداف آموزشی موثر در شکل گیری آنها در مخاطب می باشد به گونه ای که بتوان اهداف آموزشی را در یک برنامه آموزشی پیوسته، برنامه ریزی و دنبال نمود. برنامه گل آموز (تولید شبکه آموزش) بعنوان تنها برنامه کودک این شبکه، و همچنین با توجه به محدودیت برنامه کودک در شبکه آموزش و غنا بخشیدن به تحقیق، انتخاب برنامه های آموزشی دختر من و کار و کوشا تولید شبکه دوسیما (با توجه به رسالتی که این شبکه اجتماعی دارد و توجه به نهادها و مسائل اجتماعی) برنامه های مورد تحقیق بوده که به ارزیابی آنها پرداخته می شود. اساسی ترین رویکردهای برنامه های گروه کودک شبکه دو سیما در قالب برنامه هایی چون انیمیشن و برنامه های عروسکی.... ارائه می شود که از نظر چگونگی شکوفا سازی و پردازش درست شخصیت کودکان و تمهید فرآیند درست جامعه پذیری حائز اهمیت است که با توجه به اهمیت برنامه آموزشی این شبکه نیز، در این مبحث به این دو برنامه آموزشی تولید شبکه دو پرداخته می شود. از این حیث و با توجه به نکات فوق در این تحقیق تلاش بر این است تا با استفاده از دیدگاه کارشناسان برنامه های کودک و اولیاء کودکان، برنامه های آموزشی کودک در حد امکان ارزیابی گردد.

کودکان باید بیاموزند که در شرایط مختلف اجتماعی چگونه رفتار کنند. جامعه از مردمش می خواهد که از هنجارها و قوانین خاصی تبعیت کنند و خود را به طور صحیح با آنها وفق دهند و نقش های اجتماعی را بپذیرند. به بیان دیگر، کودکان در حالی که رشد می کنند و پرورش می یابند، جامعه پذیر می شوند. تلویزیون منبع رایج دیگری است که امروزه یادگیری اجتماعی را امکان پذیر می سازد. شخصیت های تلویزیونی می توانند نمونه نقش هایی را به کودکان معرفی کنند که ممکن است کودکان تلاش کنند تا آنها را سرمشق خود قرار دهند. کودکان حتی اگر به طور مستقیم از شخصیت های مورد علاقه خود کپی برداری نکنند، ممکن است دیدگاه ها، قواعد و ارزش های

خاصی را از آنها کسب کنند (گونتز و مک آلر، ۱۹۸۰). بر همین اساس است که توجه به بعد آموزشی این رسانه می تواند افق های ذهنی کودکان را تحت تأثیر قرار داده و در کنار سایر نهادهای آموزشی این قشر از جامعه را تحت پوشش و آموزش قرار دهد. بنابراین استفاده از نظر کارشناسان کودک و والدین، کمک می کند تا برنامه هایی مطابق با ذائقه، گرایش و نیاز کودکان تهیه شده و ضمن جذب مخاطبان، پیام هایی اثر بخش در حوزه ارزش های مورد نظر به آن ارائه شود و موجبات ارتقاء کیفیت زندگی اجتماعی و آموزشی کودکان را فراهم آورد.

عظیمی و شکرخواه (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان " کودک، رسانه و ارتباط متقابل " به تاثیر قابل توجه رسانه ها بر مخاطبان خود اشاره کرده و تاکید کرده اند که رسانه های دیداری و شنیداری تاثیرگذارتر از رسانه های دیگر و کودکان تاثیرپذیرتر از دیگر مخاطبان هستند. بر همین اساس اعتقاد دارند که مدیریت رسانه در حوزه کودک و کاهش آثار منفی آن نیازمند اراده عمومی است. خانواده مهمترین نقش را در این زمینه داشته و توسعه سواد رسانه ای در بین والدین می تواند در کاهش آثار منفی آن نقش موثری داشته باشد.

فولادی راد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان " بررسی رابطه خشونت تلویزیونی با خشونت واقعی در میان کودکان " به بررسی رابطه بین تماشای تلویزیون و خشونت کودکان از دیدگاه مربیان مدارس و مشاوران کلینیکی پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق فوق، ضمن اظهار تأثیرات مستقیمی و آنی تلویزیون، تاکید کرده است که مربیان مدارس بیشتر از مشاوران کلینیکی به نقش قوی، گسترده و مستقیم تلویزیون در خشونت اعتقاد دارند.

طاهری و نوروزی در سال ۱۳۸۸ طرح پژوهشی با عنوان " ارزیابی برنامه غنچه ها از دیدگاه آموزشی و تربیتی " انجام داده اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پژوهش نشان دهنده آن است که روش اقتداری نسبت به سایر روش ها بیشتر اشاره شده و نحوه ارتباط عوامل برنامه با مخاطبان بیشتر توأم به صورت مستقیم و غیر مستقیم بوده است و در بیشتر آیتم های مورد بررسی به تشویق و تنبیه رفتارها پرداخته شده ولی درباره آنها به مخاطب کودک برنامه توضیحات کمی ارائه شده است.

منیژه پور نوروز در سال ۱۳۸۰ پژوهشی روی پانزده قسمت از کارتتون کوتلاس به طور تصادفی انجام داده است و به بررسی محتوایی برنامه پرداخته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پژوهش فوق نشان دهنده آن است: ۵٪ مشخصه های منفی شخصیت های اصلی داستان هستند و ۲۹٪ خشونت عینی می باشد و ۲۱٪ خشونت نمادین در برنامه دیده شده است.

همتعلی حیدری نیز در سال ۱۳۸۷ پژوهشی با عنوان " ارزیابی برنامه امروز برای فردا " ویژه نوجوانان ۱۰ تا ۱۶ ساله در مناطق هشت گانه شیراز انجام داده است. یافته ها نشان داد موضوعات



فعلی با زمان بیشتر (کارتون و بازی) و بخش آموزشی از مهمترین موارد خواسته شده توسط بینندگان می باشد. بهتر شدن برنامه‌های کودک و نوجوان آموزش آداب و معاشرت، مسئولیت پذیری برای گروه کودک و نوجوان با استفاده از کارشناسان روانشناسی و تربیتی به پخش برنامه‌های آموزنده و جذاب و پخش برنامه‌های مستند علمی و آموزشی برای گروه سنی کودک و نوجوان پرداخته شود. رسانه بهتر است که با هماهنگی و اجرای مناسب در راستای اثربخشی بیشتر برنامه‌ها به نمایش درآمده و بتواند اهداف پیام مورد نظر را به درستی انتقال دهد و در همین راستا می‌بایست تمامی مراحل ساخت و تدوین برنامه بخصوص با مخاطب کودک دارای هماهنگی و اجرای مناسبی باشد تا تاثیرات لازم در خصوص آموزش را بدرستی انتقال دهد. بر همین اساس اهداف مطروحه در برنامه های مورد ارزیابی به تفکیک عبارتند از:

- ۱- دخترمن: مهارت های فردی.
- ۲- کار و کوشا: تقویت ویژگی های کارآفرینی و خلاقیت در کودکان بر اساس شاخص های رشد کودکان، ایجاد و تقویت روحیه کار و تلاش و میل به آغاز گری و پیشرفت در نسل آینده.
- ۳- گل آموز: بالا بردن مهارت های فردی و اجتماعی دانش آموزان، آموزش مهارت های زندگی و رفتار اجتماعی.

بدون شک برنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان در نگاه تهیه‌کنندگان و عوامل مربوط با اهداف کوتاه مدت و بلندمدت ساخته می‌شوند اما آنچه حائز اهمیت است به نظر توجه به موارد فنی برنامه- سازی در انتقال پیام خواهد بود که موارد مورد اشاره لازمه حداقل ضرورت برای تهیه برنامه به نظر می‌رسند. موارد فنی در برنامه سازی و مورد تحقیق عبارتند از اجرا، هماهنگی و اثربخشی برنامه های تلویزیونی. اجرا به محتوای پخش شده از طریق تلویزیون گفته می‌شود. این محتوای کلی می‌تواند تنها در یک برنامه ارایه شود و پایان یابد و یا به صورت مجموعه‌ای از برنامه‌ها از تلویزیون پخش گردد (رستمی، ۱۳۹۲: ۲). در بحث اجرا هماهنگی رنگ آمیزی با محتوا و سن کودک، شیوه اجرا با محتوا، تبحر مجری در انتقال محتوا، تن صدا و حرکات بدنی مجری با محتوا، موسیقی برنامه، محتوای برنامه با نیاز کودکان و همینطور ساختار برنامه (عروسکی، داستانی یا انیمیشن) با محتوا مطرح شده است. اثر بخشی تلویزیون آموزشی به طراحی پیام های آن بستگی دارد که خود ابعاد مختلف هنری، فنی، و آموزشی را شامل می شود. در اثر بخشی برنامه ها نیز تاثیر تیتراژ، اجرا، دکور، رنگ آمیزی، اثربخشی آموزشی و رفتاری مد نظر قرار گرفته است. در هماهنگی مواردی چون هماهنگی مدت

زمان اجرا با حوصله کودک، محتوا با سن، زمان اجرا با محتوا، دکور با موضوع و سن کودک در نظر گرفته شده است.

با توجه به مطالب ارائه شده اکنون این تحقیق در صدد پاسخ به این سوالات پژوهش می باشد که ۱- برنامه های گل آموز (شبکه آموزش) دختر من و کاروکوشا (شبکه دو) از دیدگاه والدین چگونه ارزیابی می شود؟ ۲- برنامه های گل آموز (شبکه آموزش) دختر من و کاروکوشا (شبکه دو) از دیدگاه کارشناسان چگونه ارزیابی می شود؟ ۳- مقایسه اثربخشی سه برنامه از دیدگاه اولیاء و کارشناسان چگونه می باشد؟ برنامه های فوق در بحث اجرا و اثربخشی و هماهنگی از نظر والدین و کارشناسان کودک مورد بررسی قرار گرفته است.

### روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و روش تحقیق بر مبنای تحقیقات میدانی و توصیفی از نوع پیمایشی است. در این تحقیق دو جامعه آماری مطرح می باشد: ۱- برنامه های آموزشی کودک پخش شده از شبکه های صدا و سیما (شبکه های دو و آموزش) ۲- افراد پاسخگو شامل: کارشناسان برنامه های کودک شاغل در سازمان صدا و سیما (به تعداد ۳۰ نفر) و اولیاء کودکان ۱۰-۶ سال مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی شهر تهران (۵۷۰۲۶۶ نفر). نمونه آماری تحقیق در خصوص برنامه های کودک، برنامه های کار و کوشا، و دختر من (شبکه دو سیما) و گل آموز (شبکه آموزش سیما) که از بین برنامه های کودک بصورت تصادفی انتخاب شده اند. تعداد ۳۰ نفر کارشناسان برنامه های کودک (به صورت تمام شماری)، و تعداد ۳۸۴ نفر از اولیاء (با بهره گیری از فرمول کوکران و به صورت تصادفی طبقه ای با توجه به دسته بندی مدارس در مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) نمونه آماری افراد پاسخگو را شامل می گردد. در انتخاب نمونه یک دبستان دخترانه و یک دبستان پسرانه در هر منطقه با توجه به حوزه های مذکور مشخص و اولیای فرزندان از پایه اول تا چهارم گروه سنی ۶ الی ۱۰ سال به تعداد کلی ۴۰ نفر از هر مدرسه انتخاب شد. جهت تکمیل پرسشنامه برای رسیدن به تعداد مورد نظر ۲۰ پرسشنامه بیشتر توزیع شد که مجموعاً ۴۰۵ پرسشنامه درست تکمیل شده بدست آمد و برای همه افراد سی دی برنامه ها ارسال گردید.

به منظور جمع آوری داده های مربوط به متغیرهای این تحقیق، از پرسشنامه محقق ساخته با سوال و در طیف لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) استفاده گردید. سوالات با توجه به مبانی نظری تحقیق و شاخص های مطروحه طراحی گردید. سپس به منظور تایید روایی، پرسشنامه توسط اساتید و پژوهشگران حوزه رسانه مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات مورد نیاز انجام گردید. پرسشنامه

نهایی حاصل اجماع نظر افراد فوق جهت تایید پایایی و سنجش هر شاخص در سوالات و سپس کل پرسشنامه، در یک نمونه ۳۰ تایی و افرادی غیر از نمونه اصلی، مورد آزمون قرار گرفت. پایایی هم‌هنگی و اجرا همراه با اثربخشی و کل پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ به ترتیب عبارت است از هم‌هنگی و اجرا ۰/۷۸ و در اثربخشی نیز ۰/۸۶ بوده است. یادآوری می‌شود جهت پاسخگویی به سوالات، همگام با توزیع پرسشنامه، CD برنامه‌های انتخابی نیز در اختیار کلیه شرکت‌کنندگان در تحقیق قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

ابتدا داده‌های توصیفی پژوهش ارائه شده است. ویژگی‌های جمعیت شناختی در شاخص‌های سن و تحصیلات والدین و کارشناسان کودک در جدول شماره ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی (سن و تحصیلات) آزمودنی‌ها

کارشناسان		اولیاء		سن
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۳/۳	۷	۸	۳۵	۲۰-۳۰ سال
۵۶/۷	۱۷	۵۵/۶	۲۴۲	۳۱-۴۰ سال
۱۳/۳	۴	۲۳/۴	۱۰۲	۴۱-۵۰ سال
۶/۷	۲	۵/۳	۲۳	۵۱ سال به بالا
۰	۰	۷/۷	۳۳	بی‌پاسخ
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۴۰۵	جمع
کارشناسان		اولیاء		تحصیلات
۱۲/۵	۴	۴۸/۶	۱۹۶	فوق دیپلم و پایین‌تر
۳۴/۴	۱۱	۳۳	۱۳۳	لیسانس
۳۱/۳	۱۰	۱۰/۲	۴۱	فوق لیسانس
۱۸/۸	۶	۲	۸	دکترا
۳/۱	۱	۶/۲	۲۵	بی‌پاسخ
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۴۰۵	جمع

## شاخص اجرا در سه برنامه گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا

در شاخص اجرا، هر برنامه از مجموع نمره ۵ بُعد شاخص اجرا (هماهنگی مدت زمان اجرا با حوصله کودک، هماهنگی محتوا با سن، هماهنگی زمان اجرا با محتوا، هماهنگی دکور با موضوع، هماهنگی دکور با سن) مورد بررسی قرار گرفته است. نمره شاخص اجرا هر برنامه از مجموع نمره ۵ بُعد ساخته شده است؛ در مجموع ۵۷/۹ درصد اولیاء و کارشناسان برنامه «گل‌آموز»، ۵۴/۷ درصد برنامه «کار و کوشا» و ۵۰/۵ درصد برنامه «دختر من» را در حد «خیلی زیاد یا زیاد» در شاخص اجرا موفق دانسته‌اند. اطلاعات مربوط به شاخص اجرا در هر یک از برنامه‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی شاخص اجرا در سه برنامه گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا

کار و کوشا		دختر من		گل‌آموز		برنامه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	نظر
۲۰	۸۷	۱۶/۱	۷۰	۲۰	۸۷	خیلی زیاد
۳۴/۷	۱۵۱	۳۴/۴	۱۵۰	۳۷/۹	۱۶۵	زیاد
۲۸/۳	۱۲۳	۳۹/۱	۱۷۰	۳۶/۶	۱۵۹	متوسط
۸/۳	۳۶	۹	۳۹	۵/۱	۲۲	کم
۰/۷	۳	۱/۴	۶	۰/۴	۲	خیلی کم
۱۰۰	۴۳۵	۱۰۰	۴۳۵	۱۰۰	۴۳۵	جمع

بر همین اساس اولیاء و کارشناسان برنامه کار و کوشا را در ابعاد هماهنگی مدت زمان اجرا با حوصله کودک، هماهنگی زمان اجرا با محتوا، هماهنگی دکور با موضوع و هماهنگی دکور با سن موفق‌تر از سایر برنامه‌ها دانسته‌اند.

## شاخص هماهنگی در سه برنامه گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا

شاخص هماهنگی در ابعاد شاخص (شامل هماهنگی رنگ آمیزی با محتوا، هماهنگی رنگ آمیزی با سن، هماهنگی شیوه اجرا با محتوی، تبحر مجری در انتقال محتوا، هماهنگی تن صدای مجری با محتوا، هماهنگی حرکات بدنی مجری با محتوا) مورد ارزیابی قرار گرفت که هماهنگی

موسیقی برنامه با محتوا، در سه برنامه، اولیاء و کارشناسان برنامه کار و کوشا را در ابعاد هماهنگی رنگ آمیزی با محتوا، هماهنگی رنگ آمیزی با سن، هماهنگی شیوه اجرا با محتوا، هماهنگی حرکات بدنی مجری با محتوا، هماهنگی موسیقی برنامه با محتوا، هماهنگی با نیاز کودکان و هماهنگی ساختار (عروسکی، داستانی، انیمیشن) با پیام موفق تر از سایر برنامه‌ها دانسته‌اند. همچنین اولیاء و کارشناسان برنامه گل‌آموز را در ابعاد تبحر مجری در انتقال محتوا و هماهنگی تن صدای مجری با محتوا موفق تر از دو برنامه کار و کوشا و دختر من دانسته‌اند. در مجموع ۶۰ درصد اولیاء و کارشناسان برنامه «گل‌آموز»، ۵۹/۳ درصد برنامه «کار و کوشا» و ۵۳/۵ درصد برنامه «دختر من» را در حد «خیلی زیاد یا زیاد» در شاخص هماهنگی موفق دانسته‌اند. اطلاعات مربوط به شاخص هماهنگی در هر یک از برنامه‌ها در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی شاخص هماهنگی در سه برنامه گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا

کار و کوشا		دختر من		گل‌آموز		برنامه نظر
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۶	۱۱۳	۲۱/۸	۹۵	۲۸	۱۲۲	خیلی زیاد
۳۳/۳	۱۴۵	۳۱/۷	۱۳۸	۳۲	۱۳۹	زیاد
۳۵/۲	۱۵۳	۳۷/۷	۱۶۴	۳۴/۷	۱۵۱	متوسط
۵/۵	۲۴	۸/۸	۳۸	۵/۳	۲۳	کم
۰	۰	۰	۰	۰	۰	خیلی کم
۱۰۰	۴۳۵	۱۰۰	۴۳۵	۱۰۰	۴۳۵	جمع

### شاخص اثربخشی در سه برنامه گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد از مجموع ۹ بُعد شاخص ارزیابی اثربخشی (شامل تیتراژ موسیقی، اجرا، دکور، رنگ آمیزی، مجری، اثربخشی آموزشی، اثربخشی رفتاری، اثربخشی و اثربخشی در کل برنامه)، اولیاء و کارشناسان برنامه کار و کوشا را در ابعاد تیتراژ، موسیقی، دکور و اثربخشی رفتاری موفق تر از سایر برنامه‌ها دانسته‌اند. همچنین پاسخگویان برنامه گل‌آموز را در ابعاد رنگ آمیزی، مجری، اثربخشی آموزشی و اثربخشی کل برنامه موفق تر از دو برنامه کار و کوشا و دختر

من دانسته‌اند. ضمن اینکه اولیاء و کارشناسان دو برنامه دختر من و کار و کوشا را در بُعد اجرا موفق‌تر از برنامه گل‌آموز ارزیابی کرده‌اند.

شاخص اثربخشی هر برنامه از مجموع نمره ۹ بُعد ساخته شده است؛ در مجموع ۸۶/۴ درصد پاسخگویان برنامه «کار و کوشا»، ۶۹/۵ درصد برنامه «گل‌آموز» و ۵۹/۸ درصد برنامه «دختر من» را در حد «خیلی زیاد یا زیاد» در شاخص اثربخشی موفق دانسته‌اند. اطلاعات مربوط به شاخص اثربخشی در هر یک از برنامه‌ها در آمده است.

جدول ۴- توزیع فراوانی شاخص اثربخشی در سه برنامه گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا

کار و کوشا		دختر من		گل‌آموز		برنامه نظر
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۹/۴	۱۲۸	۲۵/۵	۱۱۱	۳۱/۳	۱۳۶	خیلی زیاد
۵۷	۲۴۸	۳۴/۳	۱۴۹	۳۸/۲	۱۶۶	زیاد
۳۰/۶	۱۳۳	۳۲	۱۳۹	۲۸/۳	۱۲۳	متوسط
۵/۵	۲۴	۷/۶	۳۳	۲/۲	۱۰	کم
۰/۵	۲	۰/۶	۳	۰	۰	خیلی کم
۱۰۰	۴۳۵	۱۰۰	۴۳۵	۱۰۰	۴۳۵	جمع

### مقایسه میانگین نمره شاخص اجرا، هماهنگی و اثربخشی در سه برنامه

#### گل‌آموز، دختر من و کار و کوشا

میانگین نمره شاخص اجرا برای برنامه کار و کوشا ۱۷/۰۲، برای برنامه گل‌آموز ۱۶/۹۳ و برای برنامه دختر من ۱۶/۵۷ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که برنامه کار و کوشا نسبت به دو برنامه دیگر به لحاظ اجرا برای کودکان موفق‌تر عمل کرده است. در شاخص هماهنگی از میانگین نمره هر یک از برنامه‌ها استفاده شده است. میانگین نمره شاخص هماهنگی برای برنامه کار و کوشا ۳۱/۷۸، برای برنامه گل‌آموز ۳۱/۴۹ و برای برنامه دختر من ۳۰/۰۸ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که برنامه‌های کار و کوشا و گل‌آموز نسبت به برنامه دختر من در شاخص هماهنگی از نظر اولیاء و کارشناسان موفق‌تر عمل کرده‌اند. در شاخص اثربخشی نیز از میانگین نمره هر یک از برنامه‌ها

استفاده شده است که میانگین نمره شاخص اثربخشی برای برنامه گل آموز ۳۲/۶۴، برای برنامه کار و کوشا ۳۱/۶۱ و کوشا ۳۱/۶۱ و برای برنامه دختر من ۳۰/۸۵ بوده است. بنابراین می توان گفت که برنامه گل آموز شبکه آموزش نسبت به دو برنامه دیگر در شاخص اثربخشی موفق تر عمل کرده که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- مقایسه میانگین نمره شاخص اجرا در سه برنامه گل آموز، دختر من و کار و کوشا

کار و کوشا			دختر من			گل آموز			برنامه
اثربخشی	ماهنگی	اجرا	اثربخشی	ماهنگی	اجرا	اثربخشی	ماهنگی	اجرا	
۳۱/۶۱	۳۱/۷۸	۱۷/۰۲	۳۰/۸۵	۳۰/۸	۱۶/۵۷	۳۲/۶۴	۳۱/۴۹	۱۶/۹۳	میانگین
۲۱	۲۷	۱۵	۲۷	۱۸	۱۵	۲۲	۲۰	۱۵	مدیا نما
۵۳/۴	۴۲/۴	۱۷/۱	۴۶/۴	۴۵/۴	۱۴/۵	۳۷/۰۲	۴۴/۳	۱۳/۱	واریانس

پس از داده های توصیفی، تجزیه و تحلیل استنباطی ارائه می شود. بر همین اساس و به منظور انجام آمار استنباطی و انتخاب روش آماری مناسب، ابتدا فرض نرمال بودن داده ها با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بررسی شده است که نتایج نشان دهنده نرمال بودن داده ها می باشد (جدول شماره ۶).

جدول ۶- نتایج آزمون نرمال بودن شاخص های پژوهش کولموگروف - اسمیرنوف

شاخص	آماره Z	سطح معنی داری
اجرا	۱/۱۴۸	۰/۱۴۳
ماهنگی	۰/۷۲۵	۰/۶۷۰
اثربخشی	۱/۲۳۸	۰/۰۹۳

برنامه‌های گل آموز (شبکه آموزش) دختر من و کاروکوشا (شبکه دو) از دیدگاه والدین چگونه ارزیابی می‌شود؟  
 به منظور پاسخگویی به این سوال از آزمون t تک نمونه ای استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷- آزمون T تک نمونه ای ارزیابی سه برنامه از دیدگاه والدین

سطح معنی‌دار ی (sig)	درجه آزادی (d.f)	آماره آزمون T	میانگین نمونه‌ای شاخص	برنامه گل آموز
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۴/۱	۳/۰۱	اجرا
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۸/۹	۳/۴	هماهنگی
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۹/۷۲	۳/۳۱	اثربخشی
				برنامه دختر من
۰/۰۰۶*	۴۰۴	۳/۱	۳/۱۴	اجرا
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۸/۹	۳/۳۴	هماهنگی
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۶/۹۹	۳/۲۷	اثربخشی
				برنامه کار و کوشا
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۹/۷۸	۳/۳۲	اجرا
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۸/۶	۳/۷	هماهنگی
۰/۰۰۰**	۴۰۴	۷/۶۴	۳/۲	اثربخشی

\*p<۰/۰۱\*\*p<۰/۰۰۵



با توجه به نتایج جدول، از نظر اولیاء سه شاخص مورد بررسی (اجرا، هماهنگی و اثربخشی) در برنامه گل آموز، دختر من و کار و کوشا دارای میانگین نمرات بیشتر از نمره مورد انتظار (۳) است و با توجه به مقدار  $t$  محاسبه شده و مقدار سطح معنی داری که در همه موارد کمتر از  $0/05$  است، لذا با اطمینان ۹۹ درصد (به جز شاخص اجرا در برنامه دختر من با اطمینان ۹۵ درصد) می توان اذعان نمود که والدین معتقدند سه برنامه در هر سه شاخص به یک میزان موفق بوده است.

برنامه‌های گل آموز (شبکه آموزش) دختر من و کاروکوشا (شبکه دو) از دیدگاه کارشناسان چگونه ارزیابی می شود؟

با توجه به آزمون  $t$  ملاحظه می‌شود در برنامه گل آموز، بین نظرات والدین و کارشناسان تفاوت معنی‌داری در دو شاخص اجرا و هماهنگی وجود دارد و میزان موفقیت برنامه گل آموز به لحاظ اجرا از نظر والدین موفق‌تر بوده است. اما در شاخص اثربخشی بین نظرات والدین و کارشناسان تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. در خصوص برنامه دخترمن، از نظر والدین و کارشناسان دو شاخص اجرا و هماهنگی تفاوتی وجود ندارد این در حالی است که به لحاظ اثربخشی بین نظرات دو گروه جامعه آماری تفاوت وجود دارد و کارشناسان نظر مثبت تری نسبت به والدین در خصوص میزان اثربخشی این برنامه دارند که با توجه به تخصص کارشناسان، به نظر این موضوع منطقی به نظر می‌رسد. همچنین نتایج آزمون  $t$  در برنامه کار و کوشا نیز نشان می دهد بین دو شاخص اجرا و هماهنگی بین نظرات کارشناسان و والدین تفاوت معنی‌داری وجود نداشته در حالیکه در خصوص اثربخشی نظرات والدین و کارشناسان تفاوت وجود دارد و کارشناسان این برنامه را اثربخش‌تر از والدین ارزیابی نموده‌اند. میانگین این شاخص در بین کارشناسان برابر با  $4/3$  و در بین والدین برابر با  $3/6$  بوده است. جدول ۸- مقایسه میانگین نمره سه شاخص هر سه برنامه در بین دو گروه والدین و کارشناسان

شاخص	گروه	میانگین نمره	انحراف معیار	مقدار آزمون t	درجه آزادی (d.f)	سطح معنی داری (sig)
<b>گل آموز</b>						
اجرا	والدین	۳/۵۰	۰/۷۲۳۰۷	۲/۱۵۹	۴۲۰	۰/۰۳۱
	کارشناسان	۳/۲۱	۰/۱۶۲۰۸۴			
هماهنگی	والدین	۳/۶۵	۰/۷۰۵۸۵	۲/۳۵۲	۴۲۲	۰/۰۱۹
	کارشناسان	۳/۳۵	۰/۱۵۷۰۱۴			
اثربخشی	والدین	۳/۷۲	۰/۱۶۵۳۵۰	-۱/۴۴۲	۴۲۲	۰/۱۵۰
	کارشناسان	۳/۸۹	۰/۱۶۶۱۸۳			
<b>دختر من</b>						
اجرا	والدین	۳/۳۹	۰/۷۵۰۵۲	۰/۷۵۴	۳۹۵	۰/۴۵۱
	کارشناسان	۳/۲۸	۰/۱۶۶۲۲۳			
هماهنگی	والدین	۳/۴۸	۰/۷۱۲۵۳	-۱/۴۴۶	۳۹۷	۰/۱۶۵۶
	کارشناسان	۳/۵۴	۰/۷۴۱۲۰			
اثربخشی	والدین	۳/۵۰	۰/۷۳۹۹۴	-۳/۵۶۶	۴۰۴	۰/۰۰۰
	کارشناسان	۳/۹۸	۰/۱۶۸۹۷۸			
<b>کار و کوشا</b>						
اجرا	والدین	۳/۴۵	۰/۷۹۶۴۹	-۱/۰۷۰	۳۸۵	۰/۲۸۵
	کارشناسان	۳/۶۱	۰/۷۵۵۰۹			
هماهنگی	والدین	۳/۶۲	۰/۶۹۸۸۰	-۱/۶۵۵	۳۸۷	۰/۰۹۹
	کارشناسان	۳/۸۳	۰/۶۹۱۳۰			
اثربخشی	والدین	۳/۶۴	۰/۷۳۵۲۱	-۴/۸۳۶	۳۹۶	۰/۰۰۰
	کارشناسان	۴/۳	۰/۷۲۰۷۶			

مقایسه اثربخشی سه برنامه از دیدگاه اولیاء و کارشناسان چگونه می باشد؟  
 برای پاسخ به این سوال از آزمون واریانس چند متغیره چند متغیره بهره گرفته شده که نتایج آن در جداول شماره ۹ و ۱۰ نشان داده شده است.

جدول شماره ۹- تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA)

سطح معنی داری	d.f	d.f	F	مقدار	نام آزمون
. / . . . **	۳۴۹	۱۸	۱۷/۶۷۰	۰/۴۷۷	Pillai's Trace
. / . . . **	۳۴۹	۱۸	۱۷/۶۷۰	۰/۵۲۳	Wilks' Lambda
. / . . . **	۳۴۹	۱۸	۱۷/۶۷۰	۰/۹۱۱	Hotelling's Trace
. / . . . **	۳۴۹	۱۸	۱۷/۶۷۰	۰/۹۱۱	Roy's Trace

\*\*p<۰/۰۱

\*p<۰/۰۵

جدول ۱۰. تحلیل واریانس شاخص های اجرا هماهنگی و اثربخشی

sig	F	MS	درجه آزادی (df)	مجموع مربعات (SS)	منبع تغییر	
۰/۰۷۸	۳/۱۱۴	۱/۳۶۹	۱	۱/۳۶۹	گل آموز	اجرا
۰/۵۸۴	۰/۳۰۰	۰/۱۶۵	۱	۰/۱۶۵	دخترمن	
۰/۰۱۷*	۵/۷۱۷	۳/۸۱۷	۱	۳/۸۱۷	کار و کوشا	
۰/۰۰۰**	۱/۲۲۰ ۲۱	۳/۵۲ ۱۰	۱	۱۰/۳۵۲	گل آموز	هماهنگی
۰/۰۰۰**	۱/۴۹۷ ۲۵	۱/۷۸۰ ۱۲	۱	۱۲/۷۸۰	دخترمن	
۰/۰۰۱**	۱/۵۶۵ ۱۱	۶/۰۳۴	۱	۶/۰۳۴	کار و کوشا	
۰/۹۳۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۱	۰/۰۰۴	گل آموز	اثربخشی
۰/۰۰۳*	۸/۷۳۵	۴/۹۹۵	۱	۴/۹۹۵	دخترمن	
۰/۰۲۶*	۵/۰۰۶	۲/۸۴۸	۱	۲/۸۴۸	کار و کوشا	

\*\*p<۰/۰۱      \*p<۰/۰۵

آنالیز واریانس چند متغیره نشان می‌دهد که بین نظرات کارشناسان و اولیاء در سه برنامه گل آموز، دختر من و کار و کوشا در شاخص‌های هماهنگی و اثربخشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنی که در حیطة ی اجرا در برنامه کار و کوشا تفاوت معناداری وجود دارد و اثربخشی بالاتری نسبت به دو برنامه دیگر دارد. در حیطة هماهنگی برنامه دختر من نسبت به دو برنامه دیگر تفاوت معنادار وجود دارد و سطح اثربخشی این برنامه در حیطة اثربخشی درصد بالایی را به خود اختصاص داده است. در خصوص حیطة اثربخشی در برنامه دختر من نسبت به دو برنامه دیگر تفاوت معناداری وجود دارد و پس از آن برنامه کار و کوشا قرار گرفته است.

## جمع بندی و نتیجه گیری

بدون شک استفاده از نظرات کارشناسان و والدین بصورت تلفیقی می تواند نتایج مثر ثمری برای برنامه سازان و شبکه‌های سیما داشته باشد و توجه به این نظرات به ویژه کارشناسان می‌تواند چراغ راه مناسبی برای عوامل برنامه ساز باشد. همانگونه که نتایج تحقیق نشان داد با توجه به اینکه نظرات آنها بر اساس نگرش علمی تر به موضوع مطرح می باشد جمع بندی نتایج حاکی است که آموزش و انتقال با توجه به اجرای برنامه‌های تلویزیونی، بدون شک یکی از اهداف مهم رسانه بوده و از این طریق رسانه ها می توانند در انتقال پیام بسیار موفق عمل کنند. این امر البته از نظر والدین مطرح شده و اجرا، هماهنگی و اثربخشی از طریق برنامه های تلویزیونی محقق شده است. به این ترتیب این سه برنامه در انتقال پیام و اهداف مورد نظر تا حدی موفق بوده اند.

با توجه به مطالب ارائه شده تفاوت نظرات والدین مبنی بر شناخت شاخص‌های آموزشی با نظرات کارشناسان دور از انتظار نبوده است. لذا برنامه‌ها در برآوردن توقعات اولیاء مناسب عمل نموده است. کارشناسان با توجه به متخصص بودن و دیدی ریز بینانه تر، برنامه ها را با توجه به اهداف و خواستگاهی که از برنامه مورد انتظار است ارزیابی نموده و در واقع می توان اینطور بیان نمود که راهبردهای اصلی در برنامه مورد بررسی کارشناسان قرار گرفته است. کارشناسان با توجه به اینکه حوزه فعالیتی آنها رسانه بوده است، اعتماد به نظرات آنان به نظر منطقی و درست خواهد بود؛ لذا در این راستا تلفیق نظرات اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. با توجه به یافته های پژوهش استنباط حاصله آن است که اولیاء بیشتر به ظواهر برنامه نظر داشته اند. در واقع از آنجائیکه شاخص های برنامه سازی از شاخص های آموزشی متمایز هستند می توان گفت والدین بیشتر به آنچه ویژگی رسانه می باشد نظر مثبت داشته اند. همچنین می توان اذعان داشت که والدین در زمینه رسانه و هدایت فرزندان در راستای تماشای برنامه از سوی کودک به شناخت مناسب رسانه ای دست یافته اند، و با توجه به اعتمادی که آنان به رسانه دارند نمی توان بیشتر از این از آنها در این زمینه انتظار داشت اما با توجه به دو بعدی بودن نظرات کارشناسان هم بعد اعتماد به رسانه و هم تخصص آنان در این حوزه، برنامه‌های سازمان از این حیث موفقیت کمتری نسبت به نظرات والدین داشته است، لذا به لحاظ برنامه سازی، رسانه در راستای توقعات اولیاء مناسب عمل نموده است؛ ولیکن برنامه های فوق تا تامین نظرات کارشناسان فاصله دارد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات پیشین از جمله تحقیق عظیمی و شکرخواه (۱۳۹۴) و طاهری و نوروزی (۱۳۸۸) همسو بوده است. همچنین نتایج پژوهش پور نوروز در سال ۱۳۸۰ پژوهشی نشان داد: ۵٪ مشخصه‌های منفی شخصیت‌های اصلی داستان هستند و ۲۹٪ خشونت عینی می باشد و ۲۱٪ خشونت نمادین در برنامه دیده شده است که با توجه

به تاثیر گذار بودن برنامه ها بر کودکان توصیه پرهیز از خشونت در برنامه ها توصیه می شود. ضمن اینکه نتایج پژوهش هم‌تعلی حیدری در سال ۱۳۸۷ نشان داد موضوعات فعلی با زمان بیشتر (کارتون و بازی) و بخش آموزشی از مهمترین موارد خواسته شده توسط بینندگان می باشد. بهتر شدن برنامه های کودک و نوجوان آموزش آداب و معاشرت، مسئولیت پذیری برای گروه کودک و نوجوان با استفاده از کارشناسان روانشناسی و تربیتی به بخش برنامه های آموزنده و جذاب و بخش برنامه های مستند علمی و آموزشی برای گروه سنی کودک و نوجوان پرداخته شود. پرهیز از خشونت تلویزیونی در قالب برنامه های کودک نیاز می تواند در روند تربیتی کودکان و فراهم آوردن دنیایی شاد و همراه با آرامش موثر باشد که این نتیجه نیز با تحقیق فولادی راد (۱۳۹۱) همراستا می باشد. بنابراین نیاز هست که برنامه های کودک علاوه بر جلب رضایت والدین، رعایت ابعاد ظاهری برنامه و پرداختن به شادی و سرگرمی، نظرات کارشناسان کودک را در زمینه های اجرا، هماهنگی و اثربخشی تامین نمایند.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود :

- ۱- با توجه به نتایج تحقیق لازم و ضروری است تا در برنامه سازی های مرتبط با کودک از نظرات کارشناسان علوم تربیتی و آموزش مورد توجه قرار گیرد.
- ۲- با توجه به تربیت محور بودن بسیاری از برنامه های رسانه ای در ابعاد مختلف لازم است تحلیل مقایسه ای بین برنامه های تهیه شده توسط شبکه های داخلی و خارجی انجام شود تا ضمن بهره مندی از نقاط قوت سایر برنامه ها، بتوان بر کیفیت برنامه های تولیدی کودک افزود.
- ۳- بررسی نمونه آزمایش و گواه در برنامه های شاخص مختص کودک و نوجوان
- ۴- نیازسنجی از کودکان در حیطه های مختلف آموزشی سرگرمی و تعیین زمانبندی مناسب بخش برای آنان به لحاظ تاثیرگذاری و اثربخش بودن برنامه ها
- ۵- برگزاری کلاس های آموزشی جهت ارتقاء سواد رسانه ای اولیاء و آشنایی آنان با اهداف برنامه های کودک.

هر تحقیقی در طول انجام با مشکلات کوچک و بزرگ مختص به خود روبرو می باشد اما نظر به جامعه خاص آماری پژوهش و عدم وجود کارهای مقایسه ای به شکل پژوهش حاضر، کمتر پژوهشی با مصادیق مرتبط با موضوع یافت شد، لذا در جمع آوری داده های نظری و چارچوب و همچنین تطابق دادن یافته های پژوهش با سایر پژوهش های صورت گرفته با محدودیت های زیادی تحقیق مواجه شده است.

## منابع

- حسینی انجدانی، مریم و همکاران. (۱۳۸۸). نقش رسانه ها در رشد هویت ملی نوجوانان شهر تهران. فصلنامه پژوهش های ارتباطی، ۲، ۸۵-۹۵.
- حوزه ریاست سازمان صدا و سیما. (۱۳۷۷). درآمدی بر نظام برنامه ریزی محتوایی سازمان صدا و سیما.
- خبرگزاری دانشجو. (۱۳۹۵). بینندگان نوجوان شبکه کودک افزایش یافتند. قابل دسترسی در سایت [www.snn.ir](http://www.snn.ir)
- خضریان، عاطفه. (۱۳۸۵). نیازسنجی و نظرسنجی از کارشناسان و عوامل برنامه ساز گروه های کودک و نوجوان شبکه های مختلف سیما درباره استفاده کودکان و نوجوانان از رسانه های مختلف با تأکید بر برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران. تهران مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما .
- خودسیانی، علی. (۱۳۹۴). از برنامه های عمیق کودک و نوجوان به دست و جیغ و هورا رسیده ایم. قابل دسترسی در سایت [www.ghatreh.com/news/nn27555130](http://www.ghatreh.com/news/nn27555130).
- درودی، هما؛ رضانی، نادیا. (۱۳۹۴). بررسی نقش تلویزیون در تحکیم ارزش های ادبیات کودکان و نوجوانان. مطالعات رسانه ای، ۱۰ (۲۹)، ۳۷-۵۲.
- دور، امه. (۱۳۷۴). تلویزیون و کودکان، ترجمه علی رستمی. تهران، انتشارات سروش.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۷). کودکان و رسانه های جمعی، اداره کل پژوهش و آموزش سیما.
- شرام، ویلبر؛ لایل، جک؛ پارکر، ادوین. (۱۳۷۷). تلویزیون در زندگی کودکان ما، ترجمه محمود حقیقت کاشانی. تهران مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما .
- طاهری، علی؛ نوروزی. (۱۳۸۸). ارزیابی برنامه غنچه‌ها از دیدگاه آموزشی و تربیتی، گزارش شماره ۴۷۱، صدا و سیما مرکز همدان.
- عظیمی، محمد حسن؛ شکرخواه، یونس. (۱۳۹۴). کودک، رسانه و ارتباط متقابل. فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۱ (۱)، ۶۹-۹۴.
- غندالی، رویا. (۱۳۸۵). بررسی تحقق سیاست های اعلام شده به گروه های کودک و نوجوان شبکه اول، دوم و پنجم، پژوهش شماره ۳۴. مرکز تحقیقات و مطالعات سنجش برنامه.
- فولادی راد، فرزاد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه خشونت تلویزیونی با خشونت واقعی در میان کودکان. مطالعات رسانه ای، ۷ (۱۸)، ۱۱۳-۱۲۵.

- کالینگفورد، سدریک. (۱۹۸۴). کودکان و تلویزیون، ترجمه، وازگن سرکیسیان (۱۳۸۰)، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی. تهران: نشر ارسباران.
- گونتر، بری؛ مک آلر، جیل. (۱۹۸۰). کودک و تلویزیون. ترجمه نصرت فتی (۱۳۸۰). انتشارات سروش.
- مالون، سام. (۱۳۹۲). روزهای زندگی. ترجمه نوشین آهاری اسکویی، نشریه افکار نیوز، شماره ۴۳۶، ص. ۶۲.
- مولایی نژاد، میترا. (۱۳۹۴). پیام گیران کودک، مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما.
- میرشاهی، حسین، (۱۳۹۳). نگرش کودکان در خصوص برنامه فیتیله جمعه تعطیله، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- یارعلی، جواد. (۱۳۷۴). تحلیل محتوا و کاربرد آن در ارزیابی برنامه های صدا و سیما، پیام مدیران، ۴، ۱-۱۰۴.